



گزیده مصوبات جدید

حقوق :: نشریه قضاوت :: مهر ۱۳۸۱ - شماره ۹

صفحات : از ۶ تا ۹

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/861234>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۳/۱۱/۱۷

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابراین، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و برگرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه **قوانین و مقررات** استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.

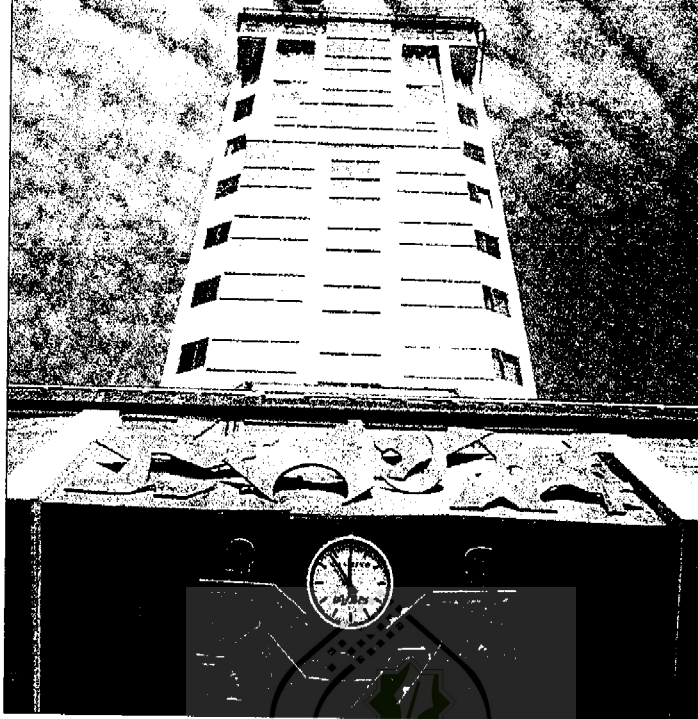


- الگوی مطلوب خانواده با تأکید بر خانواده در دوران دفاع مقدس
- جایگاه عدالت شاهد و راه های احراز آن در دعاوی با تأکید بر جرح و تعدیل
- جرم انتقال مال غیر در حقوق کیفری ایران
- توهین در رسانه از منظر حقوق بین‌الملل و حقوق ایران
- رویکرد حقوق اسلام و فرانسه به خانواده
- ضبط و مصادره اموال در جرایم مربوط به قاچاق از منظر قوانین کشور
- بررسی فقهی، حقوقی چگونگی حق حبس در نکاح
- حقوق پیش‌فروشنده در قانون پیش‌فروش ساختمان و مقایسه آن با حقوق بایع در قانون مدنی
- تحلیل فقهی و حقوقی قرارداد پیش‌فروش آپارتمان با تاملی بر انواع بیع
- بررسی برخی عوامل اجتماعی مؤثر بر خشونت خانوادگی
- اجتماع اسباب در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲
- معرفی پژوهش «فقه و حقوق خانواده و فلسفه آن»

عناوین مشابه

- گزیده مصوبات جدید: آئین نامه و دستورالعمل اجرایی ماده ۱۸ اصلاحی قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب و مادتين ۱۸ و ۴۰ قانون دیوان عدالت اداری مصوب بهمن ماه ۱۳۸۵ شمسی
- گزیده مصوبات جدید
- گزیده مصوبات جدید: رأی وحدت رویه شماره ۷۰۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور در خصوص صلاحیت دادگاه کیفری استان
- گزیده مصوبات جدید: آیین نامه اجرای بازداشتگاههای موقت
- گزیده مصوبات جدید: آیین نامه موضوع ماده ۱۶ قانون حمایت از نشانه های جغرافیایی
- گزیده مصوبات جدید: قانون رسیدگی به تخلفات و جرایم در آزمون های سراسری
- گزیده مصوبات جدید: دستورالعمل اجرایی موضوع ماده ۳۰ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح
- گزیده مصوبات جدید
- گزیده مصوبات جدید
- گزیده مصوبات جدید: آیین نامه نحوه تفکیک و طبقه بندی زندانیان

جدید گرفته مصوبات



■ در محاسبه عوارض پروانه پایان ساختمان، مبالغ پرداخت شده در زمان صدور باید احتساب شود.

اگر پروانه ساختمانی مدت آن منقضی می شود و مستلزم تمدید است، در تقویم عوارض جدید صدور پروانه ساختمانی باید مبالغی را که قبلاً صاحب پروانه پرداخت نموده، احتساب و از مبلغ تعیین شده که مطابق با ضوابط زمان صدور خواهد بود، کسر گردد.

شماره: ۱۳۸۰/۱۲/۱۱-۳۲۵/۷۸/هـ

تاریخ: ۱۳۸۰/۱۱/۲۳

شماره دادنامه: ۳۶۶

کلامه پرونده: ۳۲۵/۷۸

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری
شاکی: آقای عبدالرسول نوربهبشت

موضوع شکایت و خواسته: ابطال قسمت دوم بخشنامه شماره ۸۵۵۶۸/۳/۳۴/۲ مورخ ۱۳۷۶/۵/۸ وزارت کشور.

مقدمه: شاکی طی دادخواست تقدیمی اعلام داشته است، در سال ۱۳۷۰ برای نوسازی منزل مسکونی خود اقدام به اخذ پروانه ساختمانی مورخ ۱۳۷۰/۱۱/۲۰ نموده و عوارض متعلق به آن را تماماً پرداخته و اصولاً شهرداری تا تمام عوارض را دریافت ننماید، اقدام به صدور پروانه ساختمان نمی نماید. احداث ساختمان در سال ۱۳۷۳ به اتمام رسید. حال که تقاضای صدور گواهی پایان ساختمان نموده ام، می گویند طبق قسمت دوم بخشنامه شماره ۸۵۵۶۸/۳/۳۴/۲ مورخ

۱۳۷۶/۵/۸ وزارت کشور، باید مجدداً به نرخ امروز عوارض ساختمان را بپردازید. این اقدام با هیچ یک از موازین شرعی و قانونی و عرفی مطابقت ندارد. در پروانه ساختمان صادره، هیچ شرطی وجود ندارد که ساختمان در چه مدت پایان پذیرد و یا برای تمدید اعتبار آن و یا اخذ گواهی پایان کار، مجدداً عوارض پرداخت گردد. با عنایت به مراتب، ابطال بخشنامه مورد شکایت را به لحاظ خلاف قانون و خلاف شرع بودن درخواست می نماید. سرپرست دفتر امور حقوقی وزارت کشور، در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۱۰۱۶۶۳/۶۱ مورخ ۱۳۸۰/۱۰/۱۸ مبادرت به ارسال تصویر نامه شماره ۴/۴۰۰۷۲ مورخ ۱۳۸۰/۱۰/۴ شهرداری اصفهان نموده است.

در این نامه آمده است: همانگونه که در متن پروانه ساختمانی قید گردیده است، مدت اعتبار پروانه ساختمانی یک سال منظور گردیده و دارنده پروانه ساختمانی فوق ملزم به مراجعه به شهرداری جهت تمدید پروانه بوده است. عوارض پرداختی توسط شاکی در سال ۱۳۷۰، مربوط به سال ۱۳۷۰ می باشد و با عنایت به این که عوارض فوق در طی چند سال بعد افزایش یافته است، شهرداری تنها اقدام به اخذ مابه التفاوت عوارض می نماید و ملاک محاسبه عوارض فوق، زمان مراجعه متقاضی جهت اخذ پایان کار می باشد. دبیر محترم شورای نگهبان در خصوص ادعای خلاف شرع بودن بخشنامه مورد شکایت، طی نامه شماره ۸۰/۲۱/۲۸۷۲ مورخ ۱۳۸۰/۱۰/۲

اعلام داشته اند: موضوع خلاف شرع بودن بند (۲) بخشنامه شماره ۸۵۵۶۸/۳/۳۴/۲ مورخ ۱۳۷۶/۵/۸ وزیر کشور؛ در جلسه مورخ ۱۳۸۰/۹/۲۹ فقهای شورای نگهبان مطرح شد که نظر فقها به شرح زیر اعلام می گردد: «بند (۲) بخشنامه مذکور خلاف شرع شناخته نشده. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجت الاسلام و المسلمین دری نجف آبادی و با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدیدنظر تشکیل، و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می نماید:

رأی هیأت عمومی:

هرچند عوارض صدور پروانه ساختمان بر اساس ضوابط و مأخذ معتبر در تاریخ صدور آن قابل وصول است، لیکن اطلاق قسمت دوم بخشنامه شماره ۸۵۵۶۸/۳/۳۴/۲ مورخ ۱۳۷۶/۵/۸ وزارت کشور که مفید تعلق عوارض مجدد به تمدید پروانه ساختمان پس از اتمام مهلت مندرج در آن بدون احتساب و کسر عوارض پرداخت شده بابت صدور پروانه ساختمان و نتیجتاً، معافیت وصول عوارض مضاعف می باشد، مغایر قانون و خلاف حدود اختیارات دستگاه مربوط تشخیص داده می شود و بدین جهت این قسمت از بخشنامه فوق الذکر، به استناد قسمت دوم ماده (۲۵) قانون دیوان عدالت اداری ابطال می گردد.

■ **عضویت معاونان رئیس جمهور در کمیسیونهای تدوین آیین نامه های اجرای قوانین، مخالف قانون است.**

آیین نامه هایی که هیات وزیران تصویب آن را به کمیسیونهایی متشکل از اعضای دولت محول می کند، فقط زوراً حق عضویت و رأی در آن کمیسیون را دارند و این امر، قابل ارجاع به کمیسیون متشکل از چند وزیر و نمایندگان معاون رئیس جمهور نیست.

شماره: هـ/۶۵/۸۰-۱۱/۲۱/۱۳۸۰

تاریخ: ۱۳۸۰/۱۰/۲۳

شماره فلاننامه: ۳۳۵

کلاس پرونده: ۶۵/۸۰

مرجع رسیدگی: هیات عمومی دیوان عدالت اداری
شاکی: آقای حسن خانجانی مقرر.

موضوع شکایت و خواسته: ابطال تصویب نامه های شماره ۵۹۴۶۸/ت/۲۰۵۲۹ هـ، مورخ ۱۳۷۷/۹/۱۷ و ۶۲۴۴۱/ت/۱۷۱۷۹ هـ، مورخ ۱۳۷۷/۱۰/۱۴ و ۶۴۴۲۰/ت/۱۷۱۷۹ هـ، مورخ ۱۳۷۷/۱۰/۱۴ هیات وزیران.

مقدمه: شاکی طی دادخواست تقدیمی اعلام داشته است، هیات وزیران در تاریخ ۱۳۷۷/۹/۸ با وضع تصویب نامه های شماره ۵۹۴۶۸/ت/۲۰۵۲۹ هـ، مورخ ۱۳۷۷/۹/۱۷ و ۶۲۴۴۱/ت/۱۷۱۷۹ هـ، مورخ ۱۳۷۷/۱۰/۱۴ و ۶۴۴۲۰/ت/۱۷۱۷۹ هـ، مورخ ۱۳۷۷/۱۰/۱۴ هیات وزیران، مقرر داشته، به منظور بررسی مسائل و مشکلات و ارائه راهکارهای مناسب و فراهم ساختن امکانات لازم برای برگزاری انتخابات شوراها و اصلاحات لازم در آیین نامه قانون انتخابات شوراها و شهر و روستا، کمیونی به مسؤلیت وزیر کشور و مرکب از وزرا، جهادسازندگی، اطلاعات، آموزش و پرورش، راه و ترابری، فرهنگ و آموزش عالی و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و رؤسای سازمانهای برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی کشور و معاونت حقوقی و امور مجلس رئیس جمهور؛ تشکیل می شود و وظایف و اختیارات هیات وزیران در مواردی که آیین نامه های یاد شده، نیاز به تصویب هیات دولت دارد، به کمیسیون فوق محول و ملاک تصمیم گیری کمیسیون نیز موافقت اکثریت اعضای حاضر تعیین گردیده است. در حالی که هیات وزیران به موجب صریح اصل (۱۳۸) قانون اساسی، فقط حق تفریض اختیار به کمیسیونهای متشکل از چند وزیر را دارد و عضویت و تصمیم گیری رؤسای سازمانها یا معاونان رئیس جمهور که فاقد مسؤلیت سیاسی در برابر مجلس هستند و در کمیسیونهای مزبور، مغایر با قانون اساسی می باشد. لذا بنا به مراتب فوق، اقدام دولت، نقض اصل (۱۳۸) قانون اساسی و تجاوز از حدود اختیارات قانونی قوه مجریه بوده، مستنداً به اصول (۱۳۸)، (۱۷۰)، (۱۷۳) قانون اساسی و ماده (۲۵) قانون دیوان عدالت اداری، تقاضای ابطال مصوبات مورد شکایت را دارد. معاون دفتر امور حقوقی دولت، در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۲۶۶۹۲، مورخ ۱۳۸۰/۸/۱۳ اعلام داشته اند: ۱- همان گونه که عنایت دارند، به موجب اصل (۱۲۷)

قانون اساسی مقرر شده است، اصل (۱۲۷) رئیس جمهور می تواند در موارد خاص، برحسب ضرورت با تصویب هیات وزیران، نماینده یا نمایندگان ویژه با اختیارات مشخصی تعیین نماید.

در این موارد، تصمیمات نماینده یا نمایندگان مذکور در حکم تصمیمات رئیس جمهور و هیات وزیران خواهد بود. بنابراین، تصویب نامه شماره ۵۹۴۶۸/ت/۲۰۵۲۹ هـ، مورخ ۱۳۷۷/۹/۱۷ به استناد این اصل تنظیم، و ۶ نفر از وزرا و سه نفر از معاونین رئیس جمهور به عنوان نمایندگان ویژه تعیین شده اند و مطابق قسمت اخیر اصل (۱۲۷) قانون اساسی، تصمیمات نمایندگان ویژه در حکم تصمیمات دولت است. بنابراین، همان گونه که عنایت می فرمایند، اختیار تصمیم گیری در حکم تصمیمات دولت مختص و منحصر به کمیسیونهای اصل (۱۳۸) قانون اساسی نبوده و نمایندگان ویژه موضوع اصل (۱۲۷) نیز می توانند تصمیماتی در حکم تصمیمات دولت اتخاذ نمایند. با توجه به مراتب فوق، ایرادی به مصوبه اخیرالذکر و به تبع آن به دو فقره مصوبه مورد نظر، مرتب نمی باشد؛ مضافاً اینکه، اکثریت نمایندگان ویژه در مصوبه یاد شده، مرکب از وزرا می باشند و در زمان صدور تصویب نامه های مورد ایراد، تفسیری از سوی شورا مبنی بر عدم امکان تصمیم گیری نمایندگان ویژه به جای دولت در مورد آیین نامه های صادر نشده است. هیات عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجت الاسلام والمسلمین، دژی نجف آبادی و با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدید نظر تشکیل، و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آرا به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می نماید:

رأی هیات عمومی:

به موجب ماده (۹۴) قانون تشکیلات، وظایف و اختیارات شوراها و اسلامی کشور و انتخاب شهرداران (مصوب ۱۳۷۵) مجلس شورای اسلامی؛ تهیه آیین نامه های اجرایی این قانون به وزارت کشور، و تصویب آنها به عهده هیات وزیران محول شده و طبق اصل (۱۳۸) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تفریض مسؤلیت تصویب برخی از امور مربوط به وظایف دولت، از جمله وضع مقررات دولتی به کمیسیونهای منحصرأ متشکل از چند وزیر تجویز گردیده است بنابراین مشارکت معاونان ریاست جمهوری در کمیسیون مذکور به عنوان اعضا تصویب کننده آیین نامه اجرایی قانون، با تمسک به اصل (۱۲۷) قانون اساسی که ناظر به تعیین نماینده در موارد خاص و منصرف از وضع مقررات دولتی می باشد، مغایر قانون تشخیص داده می شود و مصوبات مورد اعتراض، مستنداً به قسمت دوم ماده (۲۵) قانون دیوان عدالت اداری، ابطال می گردد. توضیح این نکته نیز لازم است، که محدوده اصل (۱۳۸) شامل تصویب نامه ها و آیین نامه و اساسنامه ها و در صورت مصوبات هیات محترم وزیران می باشد. و محدوده اصل (۱۲۷)، شامل حال تصمیمات نماینده یا نمایندگان ویژه با اختیارات مشخص و معین می باشد. و محدوده دو اصل، کاملاً متفاوت بوده و نظریه تفسیری مورخ ۱۳۷۹/۵/۴ شورای نگهبان نیز مطلب فوق را تأیید می نماید.

■ **شورای عالی بانک حق تعیین تشبیهات اداری در بانکها را ندارد.**

تعیین مجازاتهای اداری در ادارات دولتی، فقط در صلاحیت هیات تخلفات اداری است. بنابراین، شورای عالی بانکها، و یا شورای پول و اعتبار، حق وضع تشبیهات اداری را ندارند.

رأی هیات عمومی:

الف - حکم مقرر در ماده (۹۰) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مفید جواز تدوین و تصویب آیین نامه ها و دستورالعملها و ضوابط اداری، استخدامی و انضباطی خاص نظام بانکی



است و چون تعیین مرجع رسیدگی به تخلفات انضباطی خاص بانکی و میزان مجازات اداری مرتکبین تخلفات مزبور، از مقوله عناوین مقرر در ماده مذکور نیست و به صراحت ماده (۱۸) قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب (۱۳۷۲/۹/۷)، کارکنان بانکها نیز مشمول قانون اخیرالذکر شناخته شده اند و رسیدگی به مطلق تخلفات اداری آنان به هیاتهای رسیدگی به تخلفات اداری محول شده و مجازاتهای اداری نیز در ماده (۹) این قانون معین گردیده است؛ بنابراین، تبصره ماده (۲۳) آیین نامه استخدامی نظام بانکی که رسیدگی به تخلفات اداری، تشخیص تخلف و تعیین تشبیهات اداری در بانکها و بانک مرکزی را طبق دستورالعمل مصوب شورای عالی بانکها و شورای پول و اعتبار اعلام داشته است؛ مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات قوه مجریه در وضع مقررات دولتی تشخیص داده می شود، و به استناد قسمت دوم ماده (۲۵) قانون دیوان عدالت اداری ابطال می گردد. ب - به موجب ماده (۲۵) قانون دیوان عدالت اداری، اعتراض نسبت به آیین نامه ها و تصویب نامه ها و سایر نظامات دولتی و تقاضای ابطال آنها از جهات مقرر در این ماده، قابل رسیدگی و اتخاذ تصمیم در هیات عمومی دیوان است. بنابراین، تقاضای شاکی مبنی بر اصلاح ماده (۴۴) آیین نامه استخدامی نظام بانکی به لحاظ عدم انطباق با حدود صلاحیت مقرر در ماده (۲۵) قانون مذکور، قابل رسیدگی و اعلان نظر در هیات عمومی دیوان نمی باشد.

۱۱ ابطال بند ۷ ماده (۷) آیین نامه دادرسی دیوان عدالت، به وسیله هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

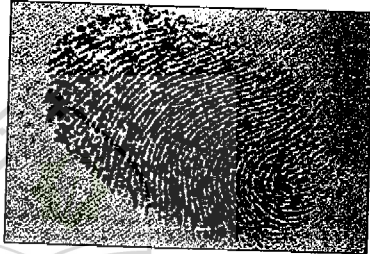
یادآوری: آنچه از اصل (۱۷۳) قانون اساسی که مبنای اصلی و مجوز تشکیل نهاد دیوان عدالت اداری است، مستفاد می شود، این است که تنظیم و تسبیح حدود اختیارات و نحوه عمل این دیوان به موجب قانون و با ابتناء بر این امر است که در سال ۱۳۶۰، قانون دیوان عدالت اداری در (۲۵) ماده مشتمل بر سه فصل: تشکیلات دیوان، صلاحیت و حدود اختیارات دیوان، ترتیب رسیدگی دیوان، از سوی مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید. بنا و علیه هرگونه تغییر در تشکیلات و یا ترتیب رسیدگی، وجوباً باید به موجب قانون باشد نه آیین نامه مقررات آیین دادرسی. همان گونه که در فصل سوم قانون دیوان عدالت اداری آمده؛ هرگونه تغییر در آن باید از سوی مرجع وضع آن که مجلس است، صورت پذیرد، نتیجه اینکه، تنظیم مقرراتی تحت عنوان

«آیین دادرسی دیوان عدالت اداری» از سوی شورای عالی قضائی وقت یا رئیس محترم قوه قضائیه خارج از حدود اختیارات قانونی آنها می باشد و این، همان مطلبی است که طبق بند «ب» ماده (۱۱)

قانون دیوان عدالت اداری، در واقع جزه صلاحیت های دیوان عدالت اداری است که بخود، وظیفه ابطال چنین مقرراتی را دارد. طبق این ماده، رسیدگی به «آیین نامه ها و سایر نظامات و مقررات دولتی و شهرداری از حیث مخالفت مدلول آنها با قانون و احقاق حقوق اشخاص، در مواردی که تصمیمات یا اقدامات یا مقررات مذکور به علت برخلاف قانون بودن آن و یا عدم صلاحیت مرجع مربوط یا تجاوز یا سوء استفاده از اختیارات یا تخلف در اجرای قوانین و مقررات، یا خودداری از انجام وظایفی که موجب تضييع حقوق اشخاص می شود» در صلاحیت دیوان عدالت اداری است.

به نظر بنده، آیین دادرسی دیوان عدالت اداری باید به وسیله مجلس اصلاح شود و ماده (۲۳) قانون دیوان عدالت اداری، مجوز تصویب آیین نامه است نه آیین دادرسی. . . . اینک، ابطال بند «ب» از ماده (۷) آیین دادرسی، مصوب هیأت عمومی دیوان را مورد می کنیم.
شماره: هـ/ ۲۳۰/۸۰-۱۳۸۰/۱۱/۱۵
تاریخ: ۲۳۸۰/۱۰/۹
شماره دادنامه: ۲۳۳-۲۳۰/۸۰
مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری
شاکی: آقای حجت سامره ای
موضوع شکایت و خواسته: ابطال بند «ب» ماده (۷) آیین نامه ی دادرسی دیوان عدالت اداری

مقدمه: شاکی طی شکایت نامه تقدیمی، اعلام داشته است؛ طبق ماده (۳۴) قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی، مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱؛ در مورد وکالتنامه های تنظیمی در ایران، وکیل می تواند ذیل وکالتنامه تأیید کند که وکالتنامه را موکل شخصاً در حضور او امضا یا مهر کرده یا انگشت زده است. از طرفی، آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، مصوب قوه قضائیه که در تاریخ ۱۳۷۹/۳/۳ منتشر شده است؛ در بند «ب» ماده (۷)، مشعر است بر اینکه: «چنانچه وکیل از وکلای رسمی دادگستری باشد، امضا یا اثر انگشت موکل در ذیل وکالتنامه باید به گواهی یکی از مراجع مندرج در ذیل ماده (۱) (دفتر یکی از دادگاهها یا دفتر اسناد رسمی یا شورای محلی یا یکی از ادارات دولتی یا نهادهای انقلابی و در مورد افراد مقیم خارج از کشور، به وسیله مأمورین کنسولی جمهوری اسلامی ایران) برسد.» نظر به اینکه قانون برای احراز امر وکالت، گواهی وکیل را کافی دانسته است و آیین دادرسی دیوان رعایت قانون را در این خصوص ننموده است، بنا به مراتب درخواست، طرح موضوع در هیأت عمومی دیوان و ابطال «ب» ماده (۷) آیین دادرسی دیوان را دارد. اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضائیه، در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۷/۷۵۸۹/۱۴۷۷ مورخ ۱۳۸۰/۸/۲۷



اعلام داشته اند: تصویب مراتب خاصی در بند «ب» ماده (۷) آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، معارض با ماده (۳۴) قانون آیین دادرسی مدنی بوده و به رویه و انتظام قواعد دادرسی خدشه وارد می کند. حیث عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق، به ریاست حجت الاسلام و المسلمین در نجف آبادی و با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدیدنظر تشکیل، و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اتفاق آرا، به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می نماید:

رأی هیأت عمومی:

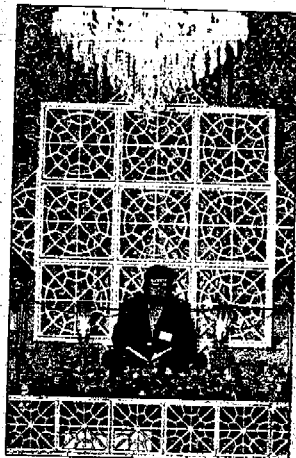
«نظر به ماده (۳۴) قانون آیین دادرسی مدنی، مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱، در باب جواز تأیید امضا یا مهر یا اثر انگشت موکل ذیل وکالتنامه های تنظیم شده در ایران توسط وکیل دادگستری و لزوم رعایت قواعد و اصول مسلم آیین دادرسی در کلیه مراجع قضائی، در مواردی که تکلیف موضوع حکم قانونگذار معین و مشخص شده است، بند «ب» ماده (۷) آیین دادرسی دیوان که مقرر داشته؛ چنانچه وکیل از وکلای رسمی دادگستری باشد، امضا یا اثر انگشت موکل در ذیل وکالتنامه باید به گواهی یکی از مراجع مندرج در ذیل ماده (۱) آیین دادرسی مزبور برسد؛ خلاف قانون تشخیص داده می شود و مستنداً به قسمت دوم ماده (۲۵) قانون عدالت اداری ابطال می گردد.»

۱۱ حافظان قرآنی که دارای مدرک لیسانس علوم قرآنی باشند، در صورت قبولی کارشناسی ارشد علوم قرآنی با ارائه یک کار تحقیقی، به درجه ی فوق لیسانس نائل می شوند.

در تبصره ۲ ماده واحده ی قانون اعطای مدرک کارشناسی و بالاتر به حافظان کل قرآن مجید آمده، حافظانی که مدرک رسمی کارشناسی علوم قرآنی را دارا هستند و از مزایای این قانون استفاده نکرده اند، می توانند در آزمون ویژه ای که برای کلیه ی دروس کارشناسی ارشد رشته ی علوم قرآنی، برگزار می شود، شرکت نمایند و در صورت موفقیت، پس از ارائه یک رساله ی تحقیقی در علوم قرآنی مدرک رسمی کارشناسی ارشد به آنها داده می شود. در آیین نامه ی اجرایی این قانون، گذراندن واحدهای مربوط به کارشناسی ارشد ذکر شده، که به لحاظ تفاسیر با قانون ابطال گردید.

رای هیأت عمومی

«به صراحت تبصره ی ۲ ماده واحده قانون اعطای مدرک کارشناسی و بالاتر به حافظان کل قرآن مجید مصوب ۱۳۷۵/۲/۱۶، اعطای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد به مشمولان قانون مذکور منوط به تحقق و اجتماع دو شرط، موفقیت آنان در آزمون ویژه ی کلیه ی دروس کارشناسی ارشد، مصوب رشته ی علوم قرآنی و ارائه یک رساله ی تحقیقی در علوم قرآنی، شده است. نظر به اینکه سیاق عبارات ماده ی ۲ آیین نامه ی اجرایی قانون فوق الاشعار مفهم ضرورت گذراندن واحدهای مربوط پس از موفقیت در آزمون مزبور و در نتیجه موجب افزایش شرایط مقرر در قانون می باشد، بنابراین ماده (۲) آیین نامه ی اجرایی مورد اعتراض به جهت فوق الذکر مغایر قانون تشخیص داده می شود و به استناد قسمت دوم ماده ی (۲۵) قانون دیوان عدالت اداری، ابطال می گردد.»



اعلام وقف نمودن اراضی و املاک متصرفینی که بدون وجود هیچ گونه سند وقفیت، املاکشان در گذشته موقوفه اعلام شده، از درجه اعتبار ساقط است.

افزادی هستند که هنوز متصرف ملک خود می باشند اما بدون سابقه وقف استاد مالکیت آنها ابطال، و سند وقفی برای آن املاک صادر شده. ماده واحده ذیل الذکر، این گونه اقدامات را از درجه اعتبار ساقط، «وکان لم یکن» نمود.

قانون الحاق دو تبصره، به ماده واحده قانون ابطال استاد فروش رقبات آب و اراضی موقوفه

ماده واحده - دو تبصره ذیل به عنوان تبصره های (۵) و (۶) به قانون ابطال استاد فروش رقبات آب و اراضی موقوفه (مصوب ۱۳۶۳/۱/۲۸) الحاق، و شماره تبصره «۵» قانون مذکور به شماره «۷» تغییر می یابد:

تبصره ۵- اراضی و املاکی که در تصرف و مالکیت کشاورزان و مالکین محلی بوده و در اثر اجرای سیاستهای غلط یا زورمندانه سلاطین بدوی، مجوز شرعی از مالکیت آنان خارج شده ولی اراضی «کماکان» در تصرف مالکین مذکور می باشد و سپس، من غیر حق در مالکیت موقوفات و آستان قدس رضوی درآمده و توسط مالکین، هیچ گونه سند وقفیت اعم از عادی و رسمی تنظیم نشده و یا هر دلیل معتبر شرعی و قانونی وجود نداشته باشد و همچنین، املاکی که در تصرف اشخاص بوده و سند رسمی دارند ولی ادعای وقفیت نسبت به آنها شده است، در صورتی که دلایل معتبری دال بر صحت وقف وجود نداشته باشد، از شمول حکم ماده واحده خارج و هرگونه تصمیم و اقدامی که در مورد اراضی فوق الذکر انجام شده، از درجه اعتبار ساقط «وکان لم یکن» می گردد و در صورت بروز اختلاف، از هر دو مورد دادگاه صالح رسیدگی خواهد نمود.

تبصره ۶- آن دسته از اراضی و املاک و جنگلها و مراتع و اراضی منابع ملی که مشمول ماده (۱) قانون حفاظت و بهره برداری از جنگلها و مراتع را (مصوب ۱۳۴۶/۵/۲۵) و اصلاحات بعدی آن و قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخائر جنگلی (مصوب ۱۳۷۱/۷/۵) قرار گیرد، مشمول ماده واحده مذکور نبوده و موقوفه تلقی نمی شود مگر در مورد حریم موقوفات و اراضی ای که قبل از تاریخ ۱۳۶۵/۱۲/۱۶ احیا شده باشد.

قانون فوق، مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز یکشنبه، مورخ ۱۹ اسفند ماه ۱۳۸۰ مجلس شورای اسلامی تصویب، و در تاریخ ۱۳۸۰/۱۲/۲۸ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

کارآموزی و قبولی در اختیار می باشد و به همین دلیل، اشتغال به کارآموزی وکالت از شمول اصل (۱۴۱) قانون اساسی و قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل نیز خارج است؛ بویژه آنکه، اجبار متقاضیان کارآموزی به استعفا، آن هم قبل از اخذ پروانه وکالت، باعث نابسامانی وضع معیشتی آنها و بعضاً ضربه به ارکان شخصی و خانوادگی می گردد که این امر، مخالف مدلول اصول (۲۰) و (۲۸) قانون اساسی نیز می باشد. لذا تقاضای ابطال بند «۸» ماده (۳۲) آئین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری را می نماید.

مستشار اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضائیه، در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۷/۹۷۸/۱۱۹۱۰ مورخ ۱۳۸۰/۲/۲۰، اعلام داشته اند: نظر به اینکه که در وضعیت کارآموزی فارغ از محدودیت رقمی خواسته یا موضوع دعوی، چون

فرد کارآموز خواه ناخواه به تبع عنوان کارآموزی، نقش دخالت در دادرسی را دارد؛ لذا پذیرش اشتغال همزمان او در سایر مشاغل دولتی، منافی با استقلال این شغل است. مضافاً، برای انتظام وضع کانون وکلا و حفظ استقلال آن، تشخیص قطع رابطه مستخدم با سازمان متبوع که ضمن استعلام مندرج در بند «۸» ماده (۳۲) آئین نامه استنادی مطمح نظر است، در مرحله عمل و اجرا مخالفتی با قانون پیدا نمی کند. هیأت

عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجت الاسلام و المسلمین دری نجف آبادی و با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدیدنظر، تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آرا به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می نماید:

رأی هیأت عمومی:

نظر به اینکه تعیین شرایط لازم جهت صدور پروانه کارآموزی وکالت در صلاحیت قوه مقننه قرار دارد و قانونگذار، به شرح ماده (۲) قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری (مصوب ۱۳۷۶) شرایط مذکور را معین و مشخص کرده است؛ بنابراین، بند «۸» ماده (۳۲) آئین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری که گواهی نامه اداره کل بازنتسگی راجع به عدم اشتغال به مشاغل دولتی و بازنتسگی را از جمله مدارک لازم جهت صدور پروانه کارآموزی وکالت اعلام داشته، خارج از حدود اختیارات قوه مجریه در وضع مقررات دولتی تشخیص داده می شود و به استناد قسمت دوم ماده (۲۵) قانون دیوان عدالت اداری ابطال می گردد.

ارائه گواهی عدم اشتغال برای صدور پروانه کارآموزی لازم نیست.

نظر به اینکه متقاضیان وکالت یا مشاوره حقوقی، ممکن است در پایان کارآموزی موفق به اخذ پروانه و یا گواهی مشاوره نشوند، اشتغال آنان تا اعلام قبولی از مصدق افراد دارای دو شغل محسوب نمی شود. شماره: ۴/۸۰/۰ - ۴/۸۰/۱۱/۱۲/۱۳۸۰

تاریخ: ۱۳۸۰/۱۱/۲۳

شماره: دادنامه: ۳۷۰

کلاس: پرونده ۴/۸۰

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری
شاکلی: آقای غلامرضا موسی قزوینی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بند «۸» ماده (۳۲) آئین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری، مصوب ۱۳۳۴ وزیر دادگستری.

مقدمه: شاکلی به شرح دادخواست تقدیمی اعلام داشته است: ۱- به موجب ماده (۱۰) لایحه قانونی

استقلال کانون وکلای دادگستری (مصوب ۱۳۳۳)

کمیسیون مشترک مجلسین، قضات و مستخدمین دولتی و بلدی و مملکتی و ینگاهایی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت است، اجازه وکالت ندارند. ۲- بند «۸» ماده (۳۲)- آئین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری (مصوب ۱۳۳۴)

وزیر دادگستری وقت برای تقاضای پروانه کارآموزی، گواهینامه اداره کل بازنتسگی را راجع به عدم اشتغال به

مشاغل دولتی و بازنتسگی ضروری دانسته است؛ اگر چه در ماده (۲) قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت (مصوب ۱۳۷۶) برای صدور پروانه کارآموزی، قید عدم اشتغال در مشاغل دولتی نیامده و در ماده (۷) همان قانون، کلیه قوانین و مقررات مغایر با قانون لغو گردیده است؛ علیهذا، نظر به این که «کماکان» کانون وکلای دادگستری مرکز، برای صدور پروانه کارآموزی از متقاضیان مطالبه گواهی قطع رابطه استخدامی با واحدهای دولتی و وابسته به دولت را می نمایند و مستند آن، عموماً بند «۸» ماده (۳۲) آئین نامه مارالذکر است، اعلام می دارد که آیین نامه مذکور بویژه بند «۸» ماده (۳۲) آن، به دلیل آنکه خارج از حدود مقرر قانونی تنظیم و تجاوز از آن محسوب، و به منزله وضع قانون می باشد که این امر از اختیارات خاص مجلس قانونگذاری تقاضای ابطال آن را به دلیل آتی می نماید:

الف- کارآموز وکالت، علی رغم آنکه می تواند تحت نظر وکیل سرپرست، قبول وکالت نماید اما شغل او وکالت محسوب نمی شود.

ب- اشتغال به حرفه وکالت، مستلزم طی دوره

